

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.^۱
- ۳ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ جمله اسمیه و فعلیه را در مثال‌های ساده از هم تشخیص دهد.
- ۶ فعل، فاعل و مفعول^۲ به را در جمله تشخیص دهد.
- ۷ مبتدا و خبر را در جمله تشخیص دهد.
- ۸ بتواند در جمله‌ای که گاهی (مبتدا و خبر) و نیز (فاعل و مفعول)، صفت یا مضاف الیه می‌گیرند و خودشان موصوف و مضاف می‌شوند این اجزاء را از هم تشخیص دهد.
- ۹ در عباراتی مانند ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ التَّوْر، ۲۲ فعل أَنْ يَغْفِرَ را درست معنا کند. (فقط فعل سوم شخص مفرد یا در اصطلاح مفرد مذکر غایب)

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ آفریده‌های خداوند است. دانش‌آموزان به این نوع متون علاقه‌مندند و چنین متن‌هایی آنها را دوستدار درس عربی می‌کند. برای یادگیری کلمات قرآن، حدیث و دعا یکی از شیوه‌ها آوردن چنین متونی است.

۱- پیام متن درس دربارهٔ تفرُّد در آفریده‌های خداوند است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ لِقَمَان، ۱۱؛ این آفرینش خداست.

الْعَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ
ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى
نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

غواصانی که شبانه به اعماق (ژرفای) اقیانوس رفته‌اند، صدها چراغ برقی دارای
رنگ‌های متعدد را دیده‌اند که نورشان از ماهی‌های درخشانده فرستاده می‌شود. (تابیده
می‌شود.) و تاریکی دریا را به روز روشن تبدیل می‌کنند که غواصان در آن می‌توانند در
نور این ماهی‌ها عکس بگیرند.

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ
عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينَ
بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ».

دانشمندان کشف کرده‌اند که این روشنایی‌ها از گونه‌ای باکتری درخشان‌ی که زیر
چشمان این (آن) ماهی‌ها زندگی می‌کنند ارسال می‌شود. آیا ممکن است که روزی
بشر از این (آن) معجزه دریایی استفاده کند و بتواند برای روشن کردن شهرها از
باکتری درخشان یاری بجوید؟ شاید بتواند این (آن) کار را انجام دهد؛ زیرا هرکس چیزی
بخواهد و تلاش کند می‌یابد.

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ
جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.

بی‌گمان زبان گربه سلاح پزشکی همیشگی است؛ زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی
پاک‌کننده ترشح می‌کند، در نتیجه گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا بهبود یابد. (التیام یابد)
إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَ تَعَلِّمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ
الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ
عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

بی‌گمان برخی پرندگان و جانوران با غریزه خود گیاهان دارویی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه گیاه مناسب برای پیشگیری از بیماری‌های گوناگون به کار ببرند؛ این جانوران انسان را برای خاصیت‌های پزشکی بسیاری از گیاهان خشکی و غیره راهنمایی کرده‌اند.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعُغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.

بی‌گمان بیشتر جانوران افزون بر داشتن زبان ویژه خود زبانی عمومی دارند که با آن می‌توانند [سخن] یکدیگر را بفهمند، کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه جانوران هشدار می‌دهد تا زود (سریع) از منطقه خطر دور شوند، او به مانند جاسوسی از جاسوسان جنگل است.

لِلْبَطِّ خَزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أذْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ. اردک‌ها نزدیک دم‌هایشان انبارهای طبیعی دارند که حاوی روغنی ویژه است که روی بدنشان پخش می‌شود و تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرند.

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب‌پرست می‌تواند بی‌آنکه سرش را تکان بدهد چشمانش را در جهت‌های مختلف بچرخاند و می‌تواند در یک زمان در دو جهت ببیند.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَ لَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی‌کند، چشم‌ها ثابت‌اند، ولی این نقص را با حرکت دادن سرش در هر ناحیه‌ای جبران می‌کند و می‌تواند که بی‌آنکه بدنش را حرکت دهد سرش را یک دایره کامل بچرخاند.

درک مطلب

سعی شده است تا درک مطلب‌ها از درسی به درسی دیگر تنوع داشته باشند. این بخش از مهم‌ترین اهداف هر زبانی هستند.

اعلموا

هدف قواعد درس پنجم آشنایی با جمله فعلیه و اسمیه است. هدف شناخت اجزای هر دو جمله است؛ یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر. قبلاً در پایه نهم با صفت و مضاف‌الیه نیز آشنا شده‌اند؛ اما بدانیم که تمرینی برای تشخیص مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت نداشتند. در زبان عربی به لحاظ تقدیم و تأخر ترکیب اضافی و وصفی مانند هم هستند.

در انگلیسی ترکیب وصفی برعکس فارسی است؛ مثال:

پسر خوشحال؛ الولد المسرور؛ happy boy

ترکیب اضافی در عربی و فارسی نیز همانندی بسیار دارد؛ در حالی که در انگلیسی با اینکه با زبان فارسی هم‌خانواده است و هر دو از زبان‌های هند و اروپایی‌اند چنین نیست؛ مثال:

پنجره اتاق؛ نافذة الغرفة؛ room's window/ the window of the room

خانهٔ مریم؛ بیت مریم؛ Mary's home

نتیجه اینکه نباید این مبحث را برای دانش‌آموز دشوار نشان داد.

از طرفی در کتاب عربی دهم ترجمه از فارسی به عربی نداریم و هدف فهم متن است؛ لذا دبیر نگران مسائلی مانند تطابق موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف نباشد. وقتی که دانش‌آموز اینها را خوب بفهمد؛ می‌تواند به مهارت سخن گفتن برسد؛ چه هدف کتاب باشد چه نباشد. مقدمهٔ ساختن فهمیدن است.

اما بدانیم ساختن در آموزش متوسطه دوم هدف نیست. دانش‌آموز علاقه‌مند به رشتهٔ زبان و ادبیات عربی بقیهٔ مطالب را در دانشگاه بخواند.

اعراب گذاری کلمات نیز هدف نیست. در کتاب حرکت گذاری کامل است. دانش آموز باید درست بخواند و با خواندن درست متن ویژگی‌های زبانی را کشف کند. طی خواندن متون و عبارات این شناخت به دست می‌آید. برخی بر این باورند که دانستن این مطالب لازم است. تیم تألیف نیز این مدعا را قبول دارد.

دانش آموز علاقه‌مند با رفتن به دانشگاه باید با تمام این ظرافت‌های زبانی آشنا شود. بین آموزش عربی به یک ایرانی و به یک عرب ساکن کشور عربی فرق بسیاری هست. نیاز دانش آموز ایرانی فارسی زبان با نیاز دانش آموز عرب ساکن کشور عربی فرق دارد. دانش آموز ایرانی بیشتر به صرف نیاز دارد و دانش آموز عرب هم صرف و هم نحو را باید بداند و البته نحو برایش مهم‌تر است. از طرفی دانش آموز دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب نیست و این مطلب باید همواره مد نظر ما باشد.

فَنِّ التَّرْجَمَةِ

باید توجه کرد که هدف این قسمت از کتاب، تدریس مبحث مضارع منصوب نیست. از آنجاکه مضارع منصوب در بسیاری از جاهای کتاب به کار رفته و فعلی پرکاربرد است که از آوردن آن گریزی نیست؛ بنابراین، مضارع منصوب در حدّ یک صیغۀ معادل سوم شخص مفرد در فارسی در کتاب مطرح شده است.

هدف فقط شناخت آن و دانستن معنای آن در جمله است.

هدف این نیست که چنین سؤالی در امتحان طرح شود.

از فعل **يَذْهَبُ** مضارع منصوب بسازید.

این سؤال مطلوب است:

کدام فعل مضارع منصوب است؟ **يَذْهَبُ**، **أَنْ يَذْهَبَ**، **لَا يَذْهَبُ**، **لَا تَذْهَبُ**، **لَا يَذْهَبُ**

حوارات

گفت‌وگو با راننده در طول سفر یکی از موضوعات اصلی است. موضوع مکالمه این درس در فضای یک وسیله نقلیه عمومی صورت می‌گیرد.

از طرفی هدف ثانویه درس آشنا شدن دانش‌آموز با سلمان فارسی سلام‌الله‌علیه صحابی جلیل‌القدر پیامبر اسلام ﷺ و آثار تاریخی شکوهمند ایران در نزدیکی بغداد است.^۱

تمرین‌ها

دانش‌آموز همه تمرین‌های هشت درس کتاب را قرائت و پاسخ می‌دهد. پیشنهاد می‌شود دبیر یک لیست داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و پاسخ می‌دهد در آن علامت بزند تا مبادا حل تمرینات توسط چند نفر صورت بگیرد و برخی فعال نباشند. می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و

نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است.

در اینجا دانش‌آموز جمله را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

۱- گفته شده سلمان دهقان‌زاده‌ای ایرانی و زرتشتی بود به نام روزبه بود و در نوجوانی مسیحی شد و به شام سفر کرد و به شاگردی روحانیون مسیحی درآمد. به حجاز آمد؛ به دست قبیله بنی کلب اسیر و به بردگی گرفته و به مردی از بنی فُریظه فروخته شد و همراه او به مدینه آمد. در مدینه پیامبر اکرم ﷺ را دید و به او ایمان آورد. پیامبر ﷺ او را از خواجه‌اش خرید، آزاد کرد و سلمان نامید. سلمان در دوران زندگی پیامبر ﷺ از یاران بزرگ و مورد علاقه ایشان بود تا جایی که پیامبر ﷺ درباره‌اش فرمود: سلمانُ منّا أهل‌البيت. او در غزوه‌های پیامبر ﷺ حضور داشت و ماجرای پیشنهاد وی برای کندن خندق در نبرد احزاب که به شکست مشرکان انجامید، مشهور است. وی پس از درگذشت پیامبر ﷺ در شمار یاران حضرت علی علیه السلام قرار گرفت. با جریان سقیفه مخالف بود، ولی پس از انتخاب خلیفه اول و دوم با آنان همکاری کرد. در زمان حکومت خلیفه دوم، حاکم مدائن شد. با این حال زنبیل می‌بافت و از دسترنج خودش روزی می‌خورد. سلمان فارسی، پس از عمری طولانی در سال ۳۶ هجری در شهر مدائن رحلت کرد. مدفن وی در مدائن به سلمان پاک مشهور است.

طاق کسری یا ایوان مدائن برجسته‌ترین یادگار روزگار ساسانی، در تیسفون در عراق است. این اثر باستانی در ۳۷ کیلومتری جنوب بغداد در کناره خاوری رود دجله است. طاق کسرا نزدیک آرامگاه سلمان فارسی است.

طاق کسری شاید در زمان شاپور یکم در نیمه دوم سده سوم ساخته شده باشد. این بنا برای نمایش شکوه ایران ساخته شده، تا توانمندی و دارایی ایران را نمایش دهد، سفیران ملت‌های دیگر را حیران سازد. ایوان، آن چنان‌که اینک می‌بینیم تنها یک شکاف حیرت‌انگیز نبود، در اصل آن را یک پرده سنگین زربفت می‌پوشاند که ارتفاع زیاد و فضای نقش‌های گوناگونش گویای ثروت فراوان بود.

منصور خلیفه عباسی نخستین کسی بود که کوشید تا آن را ویران کند، ولی در این کار ناکام ماند. وی از مصالح آن برای ساختمان‌های شهر جدید بغداد استفاده کرد و به دلیل اینکه حمل مصالح به بغداد از ارزش خود مصالح بیشتر شد از ادامه ویران‌سازی آن خودداری کرد.

تمرین دوم زبان قرآن (تمرین سوم انسانی): هدف واژه‌شناسی است. از مشابه این تمرین در امتحان می‌توان استفاده کرد. تمرین خوبی برای یافتن ارتباط بین واژگان است. در طراحی این سؤال در امتحان باید توجه داشت که مبدا مد نظر ما گزینه‌ای باشد و دانش‌آموز طور دیگر فکر کند؛ مثلاً به این چهار کلمه توجه کنید:

(نُفَاحَة، رُمَان، عُنْب، غُرَاب) پاسخ غراب است؛ چون سه کلمه دیگر میوه‌اند. پاسخ نُفَاحَة نیز می‌تواند باشد؛ چون سه کلمه دیگر مذکّرند و نُفَاحَة از نظر دانش‌آموز مؤنث است.

(والِد، اُمّ، اَخ، رَجُل) پاسخ رجل است؛ چون والد، اُمّ و اَخ اعضای خانواده‌اند و رجل غریبه است. پاسخ می‌تواند اُمّ باشد؛ چون سه کلمه دیگر مؤنث‌اند و رجل مذکر است.

تمرین دوم انسانی: هدف تقویت مهارت ترجمه با استفاده از کلمات و ساختارهای خوانده شده است.

تمرین سوم زبان قرآن (تمرین چهارم انسانی): هدف نخست تشخیص جمله اسمیه و فعلیه از همدیگر است. هدف دوم تشخیص نقش و حالت فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و مضاف‌الیه است. در کتاب‌های درسی پیشین اصطلاح المحلّ الإعرابی به کار نرفته بود. منظور از المحلّ الإعرابی نقش کلمات است؛ مثلاً در جمله السکوت ذهب و الکلام فضة. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (ویژه رشته‌های کاردانش، فنی و حرفه‌ای و ریاضی-فیزیک و علوم تجربی) فقط کافی است که دانش‌آموز بگوید السکوت مبتداست و مرفوع به ضمّه است. وقتی که دانش‌آموز خوب بخواند و بفهمد و ترجمه کند خودبه‌خود با اعراب کلمات نیز آشنا می‌شود و اگر کنجکاو و علاقه‌مند به یادگیری اینها باشد، اعراب کلمات را خواهد آموخت. در کتاب درسی همه متون کاملاً اعراب‌گذاری شده است تا فراگیر طی خواندن متون و عبارات با اعراب کلمات آشنا شود.

تمرین چهارم زبان قرآن (تمرین پنجم انسانی): تشخیص کلمات متضاد و مترادف از زیباترین تمرینات در زمینه مهارت واژه‌شناسی است.

تمرین پنجم زبان قرآن (تمرین ششم علوم انسانی): هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. تصاویر موجود در صفحه زیبایی خاصی به کتاب می‌دهند و موجب علاقه‌مندی به کتاب درسی می‌گردد. دانش‌آموز هم‌زمان با حلّ تمرین عبارت‌ها را به فارسی ترجمه می‌کند.

تمرین ششم و دهم (از هر دو کتاب): هدف تمرین ششم تمرین بر فعل‌هایی است که معادل سوم شخص مفرد فارسی آنها در عربی بیش از سه حرف است. از قواعد این درس فاصله گرفته‌ایم؛ اما نباید تمرین آن به فراموشی سپرده شود. مشابه این تمرین در جای جای کتاب درسی دهم و نیز کتاب‌های سال بعد خواهد آمد. ارزش مبحث فعل از سایر مباحث در قواعد عربی بالاتر است.

تمرین هفتم، هشتم (از هر دو کتاب) و نهم و دهم علوم انسانی: هدف تمرین برای یافتن نقش کلمات (فاعل، مفعول، مبتدا و خبر) است. یافتن نقش کلمات در فهم متن و عبارت تأثیرگذار است. دبیر می‌تواند در صورت داشتن وقت از دانش‌آموزان بخواهد که عبارت‌ها را ترجمه کنند. عبارات گزینش شده آیات قرآن و احادیث‌اند. هدف از این کار ایجاد ارتباط با هدف اصلی آموزش عربی است.

روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

شیوه‌ها و ابزار در این درس با درس قبلی یکسان است.

أنوار القرآن

أنوار القرآن : آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرنده واژگانی‌اند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس پاسخ دهد اختیار آن را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است. تدریس این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت است. این تمرین برای کار در منزل طراحی شده است.

هدف از این بخش پیش‌تر اشاره شد. دریاچه زریبار از نقاط گردشگری و جذاب ایران است.^۱

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ گربه به عربی چند معادل دارد: قِطٌّ، هِرٌّ، سِنُّورٌ، بَسٌّ و ... در گویش عراق بَزُونَةٌ گفته می‌شود.

۲ لیسید به عربی می‌شود: لَعِقَ، لَجِسَ و لَطَعَ.

۳ دشمنی به عربی چند معادل دارد؛ از آن جمله: عَدَاوَةٌ، عُدْوَانٌ، حُصُومَةٌ، سَنَانٌ و ...

۴ نَدَمٌ و نَدَامَةٌ هر دو به معنای پشیمانی هستند.

۵ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ «ما» مستثناست و مستثنا منه هر دو کلمه نفعاً و ضرراً هستند.

۶ ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ وُسْعَ مفعول دوم است.

۱- تالاب آب شیرین زریبار یا زریوار در سه کیلومتری غرب مریوان، در استان کردستان و از جاهای دیدنی و گردشگری این استان است. آب آن شیرین است و از شماری چشمه کف‌جوش و بارش تأمین می‌شود. در بیشتر زمستان‌ها سطح دریاچه یخ می‌بندد. طول دریاچه حدود پنج کیلومتر و عرض آن حدود ۱/۶ کیلومتر است. وسعت تالاب به دلیل تغییرات حجم آبی در فصول مختلف متغیر و حداکثر عمق آن ۵/۵ متر است.

این تالاب بزرگ‌ترین و زیباترین دریاچه آب شیرین باختر ایران و یکی از منحصر به‌فردترین دریاچه‌های آب شیرین در جهان به شمار می‌رود. این دریاچه صد و دومین اثر طبیعی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۶ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
- ۷ صفت مؤخَّر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرایند آموزش

درس ششم در کتاب تخصصی رشته علوم انسانی و کتاب مشترک عربی زبان قرآن متفاوت است.

متن درس ششم از کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) یکی از داستان‌های قرآن است. داستان‌های قرآن از زیبایی خاصی برخوردارند. داستان ذوالقرنین با توجه به اینکه پادشاهی عادل بوده و بر بخش بزرگی از دنیای کهن فرمانروایی کرده مهم است. در زمان دور پادشاهی درستکار به نام ذوالقرنین زندگی می‌کرد. نام او سه بار در قرآن آمده است. خداوند به او قدرت زیادی داده بود.

۱- منظور از صفت مؤخَّر صفتی است که پس از مضاف و مضاف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحین در «السلام علی عبدالله الصالحین» و العزیز در «یا أخی العزیز».

بر اساس قرآن ذوالقرنین سه لشکرکشی مهم داشت:
 نخست به باختر سپس به خاور و سرانجام منطقه‌ای که در آن یک تنگه کوهستانی بود.

ذوالقرنین کشوری بزرگ ایجاد کرد. سپس با سپاهیان‌ش به سوی مغرب حرکت کرد. مردم کشورهای دیگر وقتی عدالت او را دیدند، شیفته او شدند و از او خواستند تا فرمانروای آنها باشد.

ذوالقرنین آن قدر رفت تا به چشمه‌ای گل‌آلود رسید که هنگام غروب به نظر می‌رسید خورشید در آن غروب می‌کند. کنار برکه، مردمی ستمگر زندگی می‌کردند. خداوند به ذوالقرنین وحی کرد و گفت یا با آنها جنگ کن، یا طرح دوستی بریز و هدایتشان کن. ذوالقرنین راه دوم را برگزید. مدتی در آنجا ماند، کم‌کم مردم به کارهای شایسته عادت کردند. سرانجام ذوالقرنین و لشکرش به سوی شرق رفتند. در این مسیر هم کشورهای زیادی فرمانبر او شدند. روزی به جایی رسید که در آنجا نیز مردم بی‌تمدنی زندگی می‌کردند. ذوالقرنین آنها را نیز به پرستش خداوند دعوت کرد. مدتی کنارشان ماند و راه زندگی کردن را به آنان آموخت. اکنون دیگر نوبت شمال بود. ذوالقرنین راه شمال را در پیش گرفت و به سرزمینی رسید که دو طرفش کوه‌های بلندی بود. وقتی مردم آنجا شکوه لشکرش را دیدند، نزد وی آمدند و گفتند: ای پادشاه بزرگ، پشت این کوه‌ها دو قبیله وحشی به نام یاجوج و ماجوج زندگی می‌کنند. آنها هر چند ماه یک بار از شکاف کوه می‌گذرند. به سرزمین ما حمله می‌کنند و همه چیز را غارت می‌کنند.

سپس به ذوالقرنین گفتند: از تو خواهش می‌کنیم سر راه آنها سد بزرگی بسازید تا نتوانند به این طرف کوه بیایند. ما نیز به تو کمک می‌کنیم. آنان برای ذوالقرنین هدیه‌های بسیاری آوردند. ذوالقرنین گفت: آنچه پروردگارم به من داده از کمک‌های مالی شما بهتر است. مرا با نیروی انسانی یاری کنید. مردم خوشحال شدند. ذوالقرنین دستور داد تا مقدار زیادی آهن و مس گرد آورند و آنگاه پاره‌های آهن را در شکاف کوه ریختند. در سوی دیگر کوره‌های بزرگی برای آب کردن مس‌ها ساختند. روی آهن‌ها

زغال زیادی ریختند. مردم زغال آوردند و روی آهن‌ها ریختند. همه چیز که آماده شد، زغال‌ها را آتش زدند گرمای آتش پاره‌های آهن را نرم کرد. بدین‌سان سدی بزرگ در برابر یاجوج و ماجوج ساخته شد تا نتوانند از شکاف کوه بگذرند.

درباره تطابق شخصیت ذوالقرنین اختلاف نظر وجود دارد. مراجعه به تفاسیر قرآن پیشنهاد می‌شود.

قرن در عربی به معنای شاخ و ذوالقرنین به معنای دارای دو شاخ است. ذوالقرنین یکی از شخصیت‌های قرآن و کتاب مقدس است.

برخی بر این باورند که این نامگذاری به دلیل آن است که او به شرق و غرب جهان رسید. دارنده شرق و غرب بود که عرب از آن تعبیر قَرْنِي الشَّمْسِ (دو شاخ آفتاب) می‌کند.

داستان ذوالقرنین در قرآن در سوره کهف آمده است. در کتاب خصال روایتی از امام صادق علیه السلام هست که می‌فرمایند: شاهان روی زمین چهار تن بودند دو نفر مؤمن معتقد که عبارت‌اند از سلیمان و ذوالقرنین و دو تن کافر که عبارت‌اند از هرود و بُحْتُ النَّصْر. شماری از مردم مکه و مدینه که بیشتر اهل کتاب بودند از این داستان خبر داشته‌اند و این نکته از متن چند آیه با جمله «يسألونك عن ذي القرنين» و «قلنا يا ذا القرنين» و «قالوا يا ذا القرنين» به خوبی آشکار می‌شود، این داستان پیش از اسلام مطرح بوده است، ولی برخی از مردم به دلیل کسب آگاهی بیشتر، یا برای امتحان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش از وی پرسیده‌اند.

(یهودیان چنین پرسش‌هایی را درباره ماجرای خضر پیامبر علیه السلام و اصحاب کهف نیز پرسیده‌اند.)

در تطابق شخصیت ذوالقرنین به این افراد اشاره شده است: کورُش هَخَامَنِشِي، فریدون، اسکندر مقدونی، یکی از شاهان جَمِیر در یمن مانند مُصَعَب بن عبدالله و ... ، یکی از فرعون‌های مصر و ...

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، پس از بررسی نظریه ابوالکلام آزاد وزیر پیشین فرهنگ

هند که اثبات می‌کند کورُش هخامنشی، همان ذوالقرنین قرآن است، می‌نویسد: «هر چند بعضی از موارد گفته شده خالی از اعتراض نیست، لکن از هر گفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن‌تر و قابل قبول‌تر است.» آیت الله مکارم شیرازی نیز می‌نویسد: «درست است که در این نظریه نیز نقطه‌های ابهامی وجود دارد، ولی فعلاً می‌توان از آن به عنوان بهترین نظر دربارهٔ تطبیق ذوالقرنین بر رجال معروف تاریخی نام برد.»

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم عربی زبان قرآن (۱)

ذوالقرنین

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَ الْعِظْمَةَ؛ كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا. ذَكَرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةَ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ.

در گذشته پادشاهی دادگر و یکتاپرست بود که ذوالقرنین نامیده می‌شد و خداوند به او نیرو و شکوه داده بود. ذوالقرنین بر مناطق گسترده‌ای از زمین در شرق و غرب و شمال حکومت می‌کرد. نام او و کارهای شایسته‌اش در چند آیه قرآن ذکر شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجَيْوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفُسَادِ.

وقتی اوضاع برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با ارتش‌های بزرگش به سوی مناطق غربی زمین رفت درحالی که مردم را به توحید و جنگ با ستم و تباهی فرا می‌خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدْلَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيمَةٍ.

و مردم به دلیل دادگری‌اش در راهش به او خوش آمد می‌گفتند و از وی می‌خواستند که بر ایشان فرمانروایی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن تالاب‌هایی بود که آب‌هایش دارای بوی بدی بود.

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْفَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ، فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرُهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

و نزدیک این تالاب‌ها مردمانی را یافت که بخشی از آنها تباهاکار و بخشی درستکار بودند، و خداوند ایشان را در مورد کارشان خطاب کرد و او را در جنگ با مشرکان تباهاکارشان، یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَاخْتَارَ ذَوَالْقُرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعَوْتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ. فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ. ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ.

و ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها به توحید و ایمان به خدا را برگزید. پس با دادگری بر آنان فرمانروایی کرد و تباهاکارانشان را اصلاح کرد و کارهایشان را سامان بخشید. سپس با ارتش‌هایش به سوی شرق رفت و بسیاری از امت‌ها از او پیروی کردند و به خاطر دادگری و هیبتش به پیشواز وی رفتند.

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بِدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ. تا اینکه به قومی غیر متمدن رسید که بدوی زندگی می‌کردند و آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکومت کرد تا به راه راست هدایت و زندگی‌شان را اصلاح کرد و به آنها آموخت چگونه زندگی کنند.

وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقِ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةَ جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاعْتَمَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وَصُولِهِ؛ لِكِنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ.

و پس از آن به سوی شمال رفت تا به مردمانی رسید که نزدیک تنگ‌های میان دو کوه زندگی می‌کردند، آن مردمان بزرگی ارتش و کارهای شایسته‌اش را دیدند و با رسیدن او فرصت را غنیمت شمردند؛ ولی آنها از دو قبیله وحشی که پشت آن کوه‌ها زندگی می‌کردند در عذاب شدیدی بودند.

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا

الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرَبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ.
 پس به او گفتند: مردان این دو قبیله تباهاکارند؛ هر از چندی از این تنگه به ما حمله
 و خانه‌هایمان را ویران و دارایی‌مان را غارت می‌کنند. این دو قبیله یأجوج و مأجوج‌اند.
 لَذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: تَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدِّ عَظِيمٍ، حَتَّى
 لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا.
 بنابراین، از او کمک خواستند و به وی گفتند: از تو خواهش می‌کنیم این تنگه را به
 کمک سدی بزرگ ببندی تا دشمن نتواند که از آن به ما حمله کند و ما در این کارت
 به تو کمک می‌کنیم.

بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ
 غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.
 پس از آن هدیه‌های بسیاری برایش آوردند و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت:
 بخشش خدا از بخشش دیگری بهتر است و از شما درخواست می‌کنم که در ساختن این
 سد به من کمک کنید. مردم از این کار خوشحال شدند.

أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ
 حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ.
 ذوالقرنین به آنها دستور داد تا آهن و مس بیاورند و در آن تنگه گذاشت و آتش
 روشن کردند تا مس ذوب شد و میان آهن رفت و سدی قوی مقابل این دو قبیله شد.
 فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجَ وَ مَا جُوجَ وَ
 شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

و مردمان از پادشاه درستکار به خاطر این کارش سپاسگزاری کردند و از دو قبیله
 یأجوج و مأجوج رها شدند و ذوالقرنین از پروردگارش به خاطر پیروزی در کشورگشایی‌اش
 سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.
 از این داستان می‌فهمیم که فرمانروایان درستکار دادگر نزد خدا و مردم دوست‌داشتنی

اعلموا

هدف قواعد درس ششم آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. **الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فَاعِلُهُ**، یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ **فَاعِلُهُ** بنا بر اختصار حذف شده است؛ مانند **الْصَّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ** که «باسم الفاعل» حذف شده است.

نام دیگر این فعل **الفعل المبنی للمجهول** است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار میرود؛ لذا اصطلاح **الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ** بهتر از **الفعل المبنی للمجهول** است.

هدف این است که دانش‌آموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنهایی ترجمه شود. این صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست؛ اما در دو رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلم در تدریس و کار دانش‌آموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود. به یاد داشته باشیم که اغلب دانش‌آموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب تثبیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست.

تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب **هُوَ سَعِيدٌ**. این طور عمل کنیم. **هُوَ** مبتدا و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود **هُوَ** مبتدا و محلاً مرفوع است.

دانش‌آموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند أُخْتِي الْكَبِيرَةُ، أَخِي الْأَصْغَرُ، خَاتَمُهَا الدَّهَبِيُّ، مَزْرَعَتُنَا الْجَمِيلَةُ و عَمَلُكَ الصَّالِحُ بود. توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه هم‌اند. در فارسی گفته می‌شود، پنجره خانه و در عربی، نافذة البيت؛ در فارسی گفته می‌شود: پنجره زیبا و در عربی: النافذة الجميلة.

پس تقدیم و تأخیری وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود پنجره زیبای خانه و در عربی نافذة البيت الجميلة. هدف این درس تفهیم همین مطلب است که دانش‌آموز تشخیص دهد الجميلة صفت برای نافذة است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد.

طبیعی است که از آنجا که هنوز دانش‌آموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی‌می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست.

همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است.

شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش آموز به کار برده می‌شوند.

با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

- ۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسرِ زرنگ، پسرِ زرنگ تر
 - ۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسرِ زرنگ است. پسرِ زرنگ بود.
 - ۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسری زرنگ، پسری بسیار زرنگ
- اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت، اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوارات

گفت‌وگو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در

امتحانات معنای فعل را به تنهایی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجهٔ دشواری این تمرین بالاست.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همهٔ تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مدّ نظر است.

تمرین چهارم تا هفتم: هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمهٔ درست فعل مدّ نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمهٔ درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوهٔ درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود.

تمرین هشتم: هدف این تمرین نیز مانند چهار تمرین پیشین تقویت مهارت تشخیص انواع فعل است. این تمرین مانند تمرین سوم از آیات قرآن گلچین شده است؛ زیرا یک هدف مهم آموزش عربی فهم قرآن است.

أنوار القرآن

آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرندهٔ واژگانی‌اند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد.

اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس انجام دهد اختیار آن را دارد.

این تذکّر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمي: هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است.

یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشین دربارهٔ نعمت‌های خداوند است.

به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد.

زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود.

حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی: می‌توان در این مورد پاورپوینت یا ماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوه‌نمایشی بهره گرفت.

برای مثال، معلّم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید: چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گویم «كَتَبَ عَلَيَّ اللّٰوْحَ». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای مثال، می‌گوید «كَتَبَ ناصِرٌ عَلَيَّ اللّٰوْحَ». می‌توان دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنها ترجمه فعل خواست.

مثلاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كَتَبَ، كَتَبَ، يَكْتُبُ، يُكْتُبُ، غَسَلَ، غَسَلَ، يَغْسِلُ، يُغْسِلُ و ...

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معادل فعل «داد» به عربی می‌شود: أَعْطَى، آتَى، سَلَّمَ؛ مثال:

گذرنامه‌ام را به او دادم. أَعْطَيْتُ آتَيْتُ أَوْ سَلَّمْتُ جَوَازِي إِيَّاهِ.

۲ یاجوج و ماجوج نام دو قبیله وحشی مغول، در اصل چیزی شبیه «یاگوگ و ماگوگ»، «یاهونگ و ماهونگ» یا «یاگوگ و ماگوگ» بوده است.

زاد و ولد قبایل مغول در گذشته بسیار بود و مغولان، دنیا را طی چند مرحله در تاریخ به خاک و خون کشیدند.

۲ فعل مجهول در محاورات روزمرهٔ عربی و گویش‌های محلی بر وزن انفعال، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انقتل: کشته شد، انغلق: بسته شد، انفتح: باز شد، انظلم: ستم شد، انکتب: نوشته شد، انطبخ: پخته شد، انشرب: نوشیده شد و ... جالب اینکه در زبان فارسی گفتاری نیز فعل مجهول مانند فارسی نوشتاری نیست.

۴ اِبِلْ به معنای شتران و جمع آن اَبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.

۵ رَزٌّ به معنای برنج همان الْأَرْزُّ و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقی تَمَنَّ

گفته می‌شود.

۶ در آیهٔ شریفهٔ زیر:

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ﴾

إِذْ را می‌توان مفعولاً به برای فعل محذوف اذْكَرُّ دانست.

حين قال لأبيه وقومه: ما هذه الأصنام التي صنعتموها، ثم أقمتم على عبادتها

ملازمین لها؟

۷ در آیهٔ شریفهٔ زیر:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾

البيت الحرام بدل از الكعبة و قیاماً مفعولاً به دوم است.

۸ «يوم لك و يوم عليك» در «الدهر يومان يوم لك و يوم عليك» بدل تفصیل از

يومانِ هستند.

